

اشکال اول : اشکال محقق عراقی

محقق عراقی اشکالی بر اعتباری بودن وضع وارد کرده اند :

«قلت: إن كان الغرض من اعتبار [المعتبر] الخاص، حدوث اعتباره محضاً فلا شبهة في انعدامه خصوصاً بفناء معتبره فلازمه عدم بقاء الأمر الاعتباري إذ هو تابعُ اعتباره حدوثاً و بقاءً فلازمه حينئذ عدم تصوّر بقاء للفنون حتى مع التفات غير المعتبر فضلاً عن غفلته، و هذا المعنى أشدّ محذوراً في باب الفنون الأبدية [غير] المنسوخة.»^۱

توضیح اشکال :

لازمه اینکه علقه وضعیه، اعتباری باشد آن است که با از بین رفتن اعتبار کنندگان از بین برود. کما اینکه اگر کسی قوانین علمی را اعتباری بداند باید بگوید با غفلت از آنها این قوانین معدوم می شوند در حالی که قطعاً چنین نیست.

جواب امام به محقق عراقی :

امام از این مطلب جواب داده اند :

«و ما قيل: - من أن لازم ذلك انعدام هذه العلقه بانعدام المعتبرين و العالمين، كما أن القوانين الجعلية العلمية - التي قد يتعلّق بها العلم و قد يتعلّق بها الجهل - لو كانت من الاعتبارات، و لم يكن لها وعاء غير الاعتبار، يلزم الالتزام بانعدامها بالغفلة عنها، و هذا ممّا يأباه العقل السليم»- ليس بشيءٍ لعدم فساد تاليه، بل الأمر كذلك بلا إشكال في القوانين الجعلية، كقانون الزواج و الملك و غيرهما، فإنّه مع انعدام المعتبرين و مناشئ اعتبارها و محالّ كتبها لم يكن لها تحقّق، كما أن الألسنة القديمة المتداولة بين البشر المنقرضين بوجودها العلميّ و الکتبی صارت منقرضة معدومة، و ليس لها عين و لا أثر في الخارج و الذهن، و ما لا وجود له في الخارج و العين فليس بشيء. نعم، القوانين العلمية التي لها موازين واقعية كشف عنها العلم لم تنعدم بانعدام المكاشفين، فقانون الجاذبة له واقعٌ كُشف أم لم يكشف، بخلاف الجعليات، فلا ينبغي التأمل في أن الواضع لم يجعل علاقة واقعية بين اللفظ و المعنى، مع أن البرهان المتقدم يبطل تحقّق هذه العلاقة قبل الجعل و بعده»^۲

توضیح :

اینکه مرحوم عراقی می نویسد این مطلب قطعاً باطل است، صحیح نیست. بلکه مطلب قطعاً چنین است چراکه با انعدام معتبرین، قطعاً اعتبار از بین می رود کما اینکه زبان های اقوام گذشته منسوخ شده است البته قوانین علمی چنین نیست

۱. مقالات الاصول؛ ج ۱ ص ۶۴

۲. مناهج الاصول؛ ج ۱ ص ۵۶



چراکه آن ها اعتباری نیست بلکه تکوینی است.

ما می گوئیم :

لازمه مبنای اعتبار، آن است که بگوئیم اعتبار، یک اعتبار عقلانی است و نه یک اعتبار شخصی. و لذا اگرچه اولین نفر این لفظ را برای آن معنی اعتبار می کند ولی جامعه عقلاء آن اعتبار را می پذیرند و لذاست که این اعتبار با مرگ اولین اعتبار کننده، از بین نمی رود ولی اگر تمام کسانی که این اعتبار را قبول کرده اند، از بین بروند، اعتبار هم از بین می رود.

※

اشکال دوم : اشکال اول مرحوم خوئی

«أولاً - عين الإيراد الذي أوردناه على القول الثاني و هو أن تفسير الوضع بهذا المعنى على فرض صحته في نفسه، تفسير بمعنى دقيق خارج عن أذهان عامة الواضعين و لا سيما القاصرين منهم كالأطفال و المجانين، مع انا نرى صدور الوضع منهم كثيراً، و الحال انهم لا يدركون هذا المعنى الدقيق، و انه من قبيل وضع العلم على رأس الفرسخ، غاية الأمر أن الوضع فيه حقيقي و في المقام اعتباری. و من الواضح انه لا يكاد يمكن أن يكون الوضع أمراً يغفل عنه الخواص فضلاً عن العوام.»^۱

توضیح :

وضع کاری است که همه - حتی اطفال و مجانین هم انجام می دهند و این جعل علامت در عالم اعتبار عقلانی، یک امر دقیق و خارج از فهم متعارف است و عرفاً با نصب علم بر سر فرسخ تفاوت می کند.^۲
جواب : برخی از بزرگان^۳ جواب داده اند :

این بیان به بسیاری امور نقض می شود. چنانچه معنای انشاء، معنای حرفی از امور دقیقه ای است که بسیار هم مورد اختلاف واقع شده است در حالی که عرف آن را استعمال می کند. ایشان در ادامه می نویسند :

« و السر في ذلك الذي يكون حلاً للجميع: هو ان لهذه الأمور معان عرفية ارتكازية، و الخلاف و النزاع انما هو في تفسير ذلك المعنى و الكشف عنه و تحديده بنحو جامع مانع، و الدقة في هذا المقام لا في نفس المعنى كي يدعى عدم إدراك العرف و وصوله إليه»^۴

ما می گوئیم :

سخن گاه درباره آن است که عرف از امور دقیقه ای که جعل دقیق دارند (مثل انشاء و معنای حرفی) استفاده می کند

۱. محاضرات فی الاصول؛ ج ۱ ص ۴۳ الی ۴۴

۲. توجه : مرحوم خوئی این مطلب را در حاشیه ۱ اجود التقریرات ص ۱۱ نیز آورده است.

۳. سیدنا الاستاذ و ایضاً مرحوم آیه الله روحانی در منتقى الاصول ج ۱ ص ۵۵

۴. مرحوم روحانی؛ منتقى الاصول ج ۱ ص ۵۵



و گاه درباره آن است که عرف این امور دقیقه را ایجاد می نماید آنچه در کلام منتقی الاصول خواندیم، درباره مطلب اول است که سخن درستی است ولی بحث ما درباره آن مواردی است که عرف خود امور دقیقه را ایجاد می کند مثل وضع ؛

لکن باید گفت : اعتبارات عقلایی و جعل های اعتباری از امور دقیقه نیست بلکه کاری است که عقلاء همواره انجام می دهند و در تمام زندگی خود با آن سر و کار دارند. تملیک ها، تملک ها، ازدواج ها و .. تماماً اعتبارات عقلایی است . پس تفسیر آنها محتاج دقت است ولی ایجاد آنها محتاج دقت نیست.

